



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

شیعیان اہل بیت

پیامبر (ص)

مرتضیٰ عسکری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شیعیان اهل بیت پیامبر (ص)

نویسنده:

مرتضی عسکری

ناشر چاپی:

دانشکده اصول دین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	شیعیان اهل بیت پیامبر(ص)
۶	مشخصات کتاب
۶	اهل البیت
۶	وحی قرآنی
۷	موارد اختلاف مسلمانان
۱۴	پاورقی
۱۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## شیعیان اهل بیت پیامبر(ص)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: عسکری مرتضی - ۱۲۹۳  
 عنوان و نام پدید آور: شیعیان اهل بیت پیامبر(ص) / مرتضی العسکری  
 مشخصات نشر: تهران دانشکده اصول دین ۱۳۷۸.  
 مشخصات ظاهری: ۴۰ ص نمودار؛ ۵/۱۱/۱۶/۸۵ س م  
 فروست: (برگستره کتاب و سنت ۱۵)  
 شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۶۱-۵۱۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۵۸۴۱-۶۱-۵۱۰۰۰ ریال  
 وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی  
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس  
 موضوع: خاندان نبوت  
 موضوع: چهارده معصوم  
 رده بندی کنگره: ۳۶/BP۴۶ع/ش ۹ ۱۳۷۸  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵  
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۸-۵۴۹۴

### اهل البیت

اهل البیت همان بزرگوارانی هستند که خداوند تبارک و تعالی درباره ایشان فرمود:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛

خداوند اراده فرموده پلیدی و گناه را از شما اهل بیت - خاندان نبوت - بزدايد و شما را پاک و منزّه فرماید.

در شأن نزول این آیه کریمه از ام المؤمنین ام سلمه و اصحاب پیامبر اکرم(ص): عبدالله بن جعفر و واثله بن الاسقع و عبدالله بن عباس و عمر فرزند ام سلمه و ابوسعید خدری و انس بن مالک و دیگران روایت کرده اند که پیامبر در خانه ام سلمه بودند که آثار رحمت خدا را مشاهده فرمودند، حسن(ع) و حسین(ع) را خواستند و بر دو زانوی خود نشانیدند و علی(ع) و فاطمه را پیش خود و کساء یمانی را بر روی خود و ایشان پوشانیدند و آیه مورد اشاره در گذشته درباره ایشان نازل شد.  
 ام سلمه که خارج از اتاق نشسته بود به پیامبر عرض کرد: آیا من از اهل بیت نیستم؟ پیامبر فرمود: شما بر خیر و خوبی هستی، شما از بانوان پیامبری - یعنی از اهل بیت نیستی. [۱].

بنابر این تصریح پیامبر اکرم(ص)، اهل البیت: پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین می باشند.

### وحی قرآنی

پروردگار عالم شریعت اسلام را بر خاتم پیامبران(ص) به دو گونه وحی نازل فرمود. چنانکه فرموده است:

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا؛

(سوره اسراء، آیه ۷۸).

نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب به پا دار و نماز صبح را نیز به جای آور که نماز صبح مشهود است.  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛  
 (سوره بقره، آیه ۱۸۲).

ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما واجب شده همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شده بود.  
 در آیه اول با وحی قرآنی دستور به پا داشتن نماز ظهر و صبح داده شده است. و در آیه دوم دستور روزه داشتن در ماه رمضان. و همراه هر یک از دو وحی قرآنی نیز تفسیر آن بر پیامبر اکرم(ص) وحی می شده است.  
 در مورد اول عدد رکعات نمازهای پنج گانه و اذکار و کیفیت رکوع و سجود و سایر احکام آن با وحی غیر قرآنی بیان شده است. ما این وحی دوم را وحی بیانی می نامیم.  
 و در مورد دوم نیز مباحثات روزه و وجوب آن در سن بلوغ و دیگر احکام با وحی غیر قرآنی بیان شده است. در شریعت خاتم الانبیاء احکام اسلام اینگونه با دو وحی بیان شده است.  
 وحی اول همان قرآن کریم است که عین الفاظ آن را رب العالمین به وسیله وحی با جبرائیل(ع) بر خاتم پیامبران نازل فرموده و پیامبر آیه ها و سوره های قرآن و بیان و توضیح و تفسیر آن را به صحابه ای که پیرامون ایشان بودند تبلیغ می فرمودند و هر یک از صحابه که می توانست بنویسد هر دو وحی، یعنی اصل الفاظ قرآن و بیان آن را می نوشتند.  
 و نیز هر چه بر پیامبر از قرآن و بیان آن وحی می شد هر یک از صحابه را که می توانست بنویسد می طلبیدند و دستور می دادند بر هر چه آماده بود از کاغذ و تخته و پوست حیوان و مانند آنها می نوشت و آن نوشته ها را در منزل خود نگاه می داشتند.  
 همچنان هر چه غیر از قرآن بر پیامبر وحی می شد به هر مسلمانی که نزد ایشان حاضر بود تبلیغ می فرمودند و بعضی از صحابه که توانایی داشتند آن حدیث پیامبر را می نوشتند. رب العالمین اینگونه شریعت اسلام را بر پیامبرش وحی می فرمود و پیامبر اینگونه آن را به همگان تبلیغ می فرمود. و با این تبلیغ همگانی و ثبت و ضبط دقیق آن، شریعت اسلام تبلیغ و حفظ می شد.  
 و اضافه بر همه آنچه گفتیم مسلمانان تجسم شریعت اسلام را در عملکرد پیامبر مشاهده می کردند و این آن چیزی است که مسلمانان آن را سیره پیامبر(ص) می نامند. و گاه نیز پیامبر(ص) عملی از اعمال دینی را مثلاً وضو گرفتن یا نماز خواندن و دیگر احکام اسلامی را از صحابه یا خویشان خود می دیدند و آن را انکار نمی فرمودند. یعنی آنگونه عمل کردن به احکام را می پسندیدند که در اصطلاح فقهی آن را تقریر پیامبر می نامند. مجموع فعل و قول و تقریر آن حضرت، «سنت پیامبر» نامیده می شود، چنانکه نص قرآن در اصطلاح «کتاب الله» نامیده می شود.  
 بنابراین شریعت اسلام عبارت است از آنچه در کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) آمده است و همه مسلمانان از عصر پیامبر(ص) تا به امروز بر عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر اتفاق نظر دارند.

## موارد اختلاف مسلمانان

مسلمانان در دو مورد اختلاف عقیده دارند:

یکم: در تفسیر بعضی آیات کتاب خدا و فهم معانی آن.

نمونه اول: اختلافشان در مورد معنای: «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» در آیه ۲۵۵ از سوره بقره است که آن را گروهی از پیروان مکتب خلفا کرسی می دانند و تختی که خداوند بر روی آن نشسته است [۱۶] و شیعیان اهل بیت طبق تعلیم ائمه اهل بیت پیامبر معنی کرسی را علم دانسته و تفسیر می کنند و کلمه مزبور در لغت عرب نیز به این معنی آمده است. طبق این تفسیر معنی آیه «وسع کرسی»

علمه السموات...» می شود.

نمونه دوم: اختلاف در تفسیر آیه «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» می باشد که گروهی از پیروان مکتب خلفا روایت کرده اند در روز قیامت باری تعالی «ساق پای» خود را به مسلمانان نشان می دهد و ایشان خدا را بدین وسیله می شناسند و به دنبال او روانه بهشت می شوند. این دسته و گروه، اینگونه خدا را دارای جسم و مکان می دانند. اما شیعیان اهل بیت به پیروی از ائمه اهل بیت، خدا را منزله از جسم و مکان می دانند.

نمونه سوم: در عصمت انبیا و رسل اختلاف عقیده دارند؛ چه آنکه پیروان مکتب خلفا ایشان را تنهامعصوم در تبلیغ وحی می دانند و در غیراמר تبلیغ وحی معصوم نمی دانند.

در حالی که شیعیان انبیا و رسل و اوصیای ایشان را از به جا آوردن هر معصیتی معصوم می دانند.

دوم: در سنت و راه دریافت آن اختلاف دارند. پیروان مکتب خلفا همه صحابه را عادل می دانند و سنت پیامبر را از همه کسانی که نام صحابی دارند می گیرند و در این باره از پیامبر روایت می کنند: «أَصْحَابِي كَالنَّجْمِ، بَأْيُهُمْ أَقْدَبُ أَقْدَبْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ؛ اصحاب من همانند ستارگانند، به هر کدام اقتدا کردید، هدایت می شوید.»

این در حالی است که در میان صحابه کسانی بودند که به هم بستر پیامبر - العیاذ باللّه - تهمت زدند و قرآن درباره ایشان می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ؛ [۱۶] مسلماً کسانی که آن تهمت بزرگ را زدند گروهی از شما بودند...»

و علاوه بر این در سوره توبه به طور کلی می فرماید:

وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ؛

(سوره توبه، آیه ۱۰۱).

و بعضی از اهل مدینه منافقند و بر این نفاق چنان ماهر و کارگشته اند که تو از نفاقشان آگاه نیستی؛ ما آنها را می شناسیم.

البته پیامبر(ص) برای شناسایی مؤمن از منافق یک علامت بسیار واضح و آشکار معرفی فرمود. و آن حبّ امیرالمؤمنین علی(ع) بود که آن را دلیل بر ایمان و بغض و دشمنی با ایشان را دلیل بر نفاق دانستند. [۱۶] به این دلیل است که شیعیان اهل بیت تفسیر قرآن و سنت پیامبر را از دشمنان علی یعنی کسانی مانند معاویه و عمروعاص و خوارج نهروان نمی گیرند و از صحابه ای که دوستدار اهل بیت هستند اخذ حدیث می کنند.

پس از پیامبر(ص) نیز حدیث پیامبر و تفسیر قرآن را از دوازده امام دریافت می کنند زیرا این دوازده بزرگوار هر چه بگویند با سند از پیامبر(ص) نقل می نمایند این امامان عبارتند از:

۱. علی ابن ابی طالب

۲. حسن بن علی، سبط الرسول

۳. حسین بن علی، سبط الرسول

۴. علی بن الحسین السجاد

۵. محمد بن علی الباقر

۶. جعفر بن محمد الصادق

۷. موسی بن جعفر الکاظم

۸. علی بن موسی الرضا

۹. محمد بن علی الجواد

۱۰. علی بن محمد الهادی



۱۱. الحسن بن علی العسکری

۱۲. الحجه بن الحسن العسکری

و بدین سبب ایشان شیعیان اهل بیت می باشند و با این نام معرفی می شوند.

شیعیان اهل بیت پیامبر تفسیر قرآن و سنت پیامبر و همه عقاید و احکام شریعت اسلام را از این دوازده وصی پیامبر، به دو دلیل اخذ می کنند.

دلیل اول: آنکه خدا و پیامبر آنها را پس از پیامبر آماده ادای این مسؤولیت عظیم نموده اند. واسطه این آماده سازی اولین امام و اولین وصی پیامبر حضرت علی(ع) بود.

چگونگی آماده سازی علی(ع) برای ادای مسؤولیت تبلیغ پس از پیامبر

قبل از بعثت پیامبر در مکه قحطسالی شدید شد. حضرت ابوطالب که شیخ قریش بود در آن سالها به سبب مهمانداری حجاج بیت الله فقیر شده بود و بار عائله پرجمعیت بر دوش ایشان سنگینی می کرد پیامبر که به واسطه ازدواج با خدیجه یک خانواده متمکن بودند و عباس عموی پیامبر که تاجر و ثروتمند بود برای کم کردن عائله حضرت ابوطالب از ایشان خواستند که هر کدام یکی از فرزندان وی را تحت تکفل بگیرند و از سنگینی عائله او بکاهند. حضرت ابوطالب پذیرفت، عباس جعفر را به خانه خود برد و پیامبر علی را. [۱۶].

حضرت علی در این باره می فرماید: [۱۶].

«او مرا که کودکی بودم در کنار می گرفت و به سینه خود می چسباند و در رختخواب خود می خوابانید. و از بوی خوش بدنش برخوردارم می کرد. چندان کوچک بودم که غذا را در دهان خود نرم می کرد و در دهان من می گذاشت. او سخنی به گزافه و دروغ از من نشنود و کاری ناشایسته از من مشاهده نمود.

خداوند از همان هنگام که پیامبر را از شیر باز گرفتند، با فرشته ای از بزرگترین فرشتگانش همراه فرمود تا او را روزها و شبها به راه بزرگوارها و سیرت و اخلاق نیکوی راهبر باشد. و من هم حضرتش را پیروی می کردم. او در هر سال مدتی را در حراء می گذارید و من تنها کسی بودم که او را در آن ایام می دیدم و به جز من کسی دیگر او را نمی دید. در آن روزگار، اسلام در یک خانه بود: خانه پیغمبر و خدیجه که سومینشان من بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.

به هنگام نزول نخستین وحی بر آن حضرت، صدای ناله ای را شنیدم و از آن حضرت جويا شدم، به من فرمود: این ناله شیطان است از اینکه مورد پیروی قرار بگیرد، مأیوس و ناامید شده است. تو آنچه را که من می شنوم، می شنوی و آن را که می بینم، می بینی. جز آنکه تو پیغمبر نیستی، بلکه وزیر و یاور من در امر رسالت می باشی.»

و آنگاه که حضرت علی(ع) بزرگسال شد هر روز صبح و شام برای تعلیم گرفتن هر چه از قرآن و اسلام نازل شده بود به خدمت پیامبر(ص) می رسید و دستور جلسات چنین بود که خود فرموده:

«من سحرگاهان هر روز به خدمت پیامبر می رسیدم و از پشت در می گفتم «السلام علیک یا نبی الله» اگر آن حضرت آهسته و آرام سرفه می کرد به خانه برمی گشتم و گرنه وارد می شدم [۱۶]»

در این ملاقاتها پیامبر هر چه از وحی که پس از دیدار قبلی نازل شده بود به ایشان تعلیم می کرد. در این دیدارها پیامبر(ص) به پسر عمویش(ع) دستور نوشتن داد و فرمود: آنچه را به تو می گویم بنویس، علی پرسید: ای رسول خدا! از آن می ترسی که فراموش کنم؟ فرمود: نه، از خدا خواسته ام حافظه ات را نیرو بخشد و تو را دچار فراموشی نگرداند، آن را برای شریکانت یعنی امامان بعد از خودت بنویس و با اشاره به امام حسن فرمود: این نخستین آنان است و به امام حسین فرمود: امامان [بعدی] از فرزندان حسین هستند [۱۶].

آن دست نوشت علی(ع) و املاء پیامبر کتابی به شکل طوماری شد که نامش «جامعه» بود. این کتاب همراه با قرآن و تفسیری که در خانه پیامبر بود از جمله موارث نبوت هستند که به اوصیای ایشان رسیده است.

رجوع ائمه اهل البیت(ع) به جامعه

امام صادق(ع) می فرماید: «جامعه در نزد ماست: املائی پیامبر(ص) است که از دو لب شریفش بیرون آمده و علی آن را به دست خود نوشته است حلالها و حرامها و هر چه را مردم به آن نیاز داشته باشند در آن است. [۱۶].»

مردی از امام صادق(ع) مسأله ای را پرسید و آن حضرت جوابش را فرمود. آن مرد پرسید: به نظر شما اگر امر چنین باشد رأی شما چیست؟ حضرت فرمود: ساکت شو پاسخی که به تو دادم از پیامبر خداست. [۱۶] خداوند حلال و حرام را و تأویل قرآن را به پیامبرش آموخت و رسول خدا همه آنها را به علی آموخت. [۱۶].

دوازده امام اهل بیت(ع) از کتاب جامعه برای اصحابشان احکام خدایان نقل می کردند واز تفسیر قرآنی که در منزل پیامبر(ص) بود حدیث می فرمودند و اصحاب ایشان آنچه از ایشان فرامی گرفتند در رساله هایی می نوشتند و آن رساله ها در علم حدیث «اصل» نامیده شده که در زمانی شماره آنها به چهارصد «اصل» رسیده و چهار کتاب کافی و من لایحضره الفقیه و استبصار و تهذیب، از آن اصول نقل حدیث نموده اند و پس از ایشان علمای مکتب اهل بیت به آن کتب رجوع می نمایند. چنانکه در جدول زیر نمایان است.

سند روایت در مکتب اهل بیت

املاء خاتم الانبیاء

جامعه امام علی

روایات دوازده امام از اهل بیت

اصول و رساله های کوچک حدیث

الفقیه التهذیب الاستبصار کافی

رساله های فقهای مکتب اهل بیت

دلیل دوم: روایتی است که از پیامبر اکرم درباره آنها رسیده است. و ما در اینجا به چند روایت که در کتب معتبره پیروان مکتب خلفا آمده اکتفا می کنیم.

یکم: روایتی که از پیامبر اکرم درباره امام اول علی بن ابی طالب آمده است.

در سال سوم از بعثت پیامبر اکرم(ص) آنگاه که از جانب پروردگار مأمور به دعوت به اسلام شد و آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ [۱۶] خویشان نزدیک خود را از خدا بترسان.» نازل شد، پیامبر دستور داد پسرعمویش، علی بن ابی طالب طعامی آماده ساخت و بنی عبدالمطلب را دعوت کرد. پس از صرف طعام، عمویش ابولهب پیش دستی کرد و نگذاشت پیامبر سخنی بگوید، مجلس پیامبر به هم خورد، پیامبر(ص) دعوت به طعام را تکرار کرد و در بار دوم پس از صرف طعام ایشان را به اسلام دعوت کرد و از ایشان در تبلیغ رسالت کمک خواست و فرمود:

أَيُّكُمْ يُوَاظِرُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ فَيَكُونُ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فَيَكُم مِّنْ بَعْدِي؛

کدام یک از شما مرا در این امر یاری می کند تا برادر من و وصی من و خلیفه من در میان شما باشد.

همه از آن پیشنهاد سر باز زدند و رو گردانیدند. علی بن ابی طالب که از همه آنها خردسالتر بود در جواب پیامبر گفت: من یا رسول الله! وزیر شما، یار و کمک شما در این امر خواهم بود.

در این حال پیامبر دست برد و گردن علی را گرفت و فرمود:

إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَيَكُم فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا؛

این برادر من و وصی من و جانشین من در میان شما است، فرمانش را بشنوید و از او اطاعت کنید.

ایشان (خویشان پیامبر) از جا برخاستند و خنده کنان به ابوطالب - که شیخ و بزرگشان بود - گفتند: پسر برادرت داد، گوش به فرمان پسر و فرمانبردارش باشی. [۱۶].

و این خود اولین بار بود که پیامبر(ص) اعلان به دعوت رسالت خود نموده و در همان مجلس در مکه وصی و خلیفه خود را تعیین فرمود، و پس از آن پیامبر اکرم مکرر پسر عم خود، علی را وصی و جانشین خود معرفی نموده و جمعی از صحابه هر یک آنچه را در این باره شنیده روایت نموده اند.

سلمان فارسی

روایت می کند که به پیامبر عرض کردم: هر پیامبری وصی دارد، وصی شما کیست؟ در آن وقت پاسخ نداد و مدتی بعد که مرا دید فرمود:

ای سلمان! به سوی حضرتش شتافتم و لیبک گفتم.

فرمود: می دانی وصی موسی که بود؟

عرض کردم: آری، یوشع بن نون بود.

فرمود: برای چه - او وصی بود؟

گفتم: برای آنکه او داناتر و عالمتر از همه ایشان بود.

فرمود: وصی من و حامل سر من و بهترین کسی که پس از خود بر جای می گذارم و وعده های مرا وفا می کند و دین مرا ادا می کند علی بن ابی طالب است [۱۶].

ابوسعید خدری انصاری

روایت کرده که رسول الله فرمود: «وصی من و سر نگهدار من و بهترین کسی که پس از خود بر جای می گذارم که وعده مرا وفا می کند و قرض مرا ادا می کند علی بن ابی طالب می باشد.»

انس بن مالک انصاری

روایت نموده که: پیامبر وضو گرفت و دو رکعت نماز خواند و فرمود: اولین کس که از این در وارد می شود امام متقیان و سید (آقای) مسلمانان و رئیس و بزرگ دین و خاتم الوصیین است.

علی که آمد پیامبر فرمود: انس که آمد؟

گفتم: علی.

پیامبر خرسند برخاست و دست به گردن علی انداخت [۱۶].

وزیر النبی(ص)

صحابی شهیر سعد وقاص روایت نموده که پیامبر(ص) به علی(ع) فرمود:

أَمَّا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا يُبَوِّهَمِن بَعْدِي؛ [۱۶].

آیا خشنود نیستی که از من مانند هارون از موسی باشی جز آنکه پیامبری پس از من نیست.

این فرمایش پیامبر اشاره است به قول کلیم الله، موسی بن عمران(ع) آنگاه که به خداوند عرض کرد:

وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي - هَارُونَ أَخِي - أَشَدُّ بِهِ أُزْرِي - وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي؛

(سوره طه، آیات ۳۲-۲۹).

از اهل بیت من وزیری معاون من فرما، برادرم هارون را به او پشتم را محکم کن، و او را در امر رسالت با من شریک فرما. پیامبر خاتم(ص) نیز علی(ع) را وزیر خود خواند مانند حضرت موسی(ع) که برادرش هارون وزیرش بود. به استثنای نبوت، چه آنکه پیامبر، خاتم پیامبران بود.

بنابر این فرمایش پیامبر(ص): مقام علی(ع) با پیامبر(ص) همانند مقام هارون با موسی بن عمران بوده است. حدیثهایی که پیامبر(ص) در حق علی(ع) فرموده است بسیار است، ما در اینجا به نقل حدیث غدیر اکتفا می‌نماییم. حدیث غدیر خم

در مسند احمد و سنن ابن ماجه و مستدرک حاکم بر صحیحین و دیگر مدارک حدیثی و تفسیری مکتب خلفا آمده است که پیامبر اکرم(ص) در بازگشت از حجه الوداع به غدیر خم که رسید این آیه بر ایشان وحی شد: **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.** (سوره مائده، آیه ۶۷). ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، تبلیغ کن؛ و اگر نکنی رسالت اورانجام نداده‌ای. خداوند تو را از [آزار] مردم نگاه می‌دارد.

و با وحی بیانی مقصود از «ما أنزل إليك - في علي -» بیان فرمود.

پیامبر(ص) در همان صحرا از شتر پیاده شد و دستور فرمود حاجیان پیش رفته بازگردند و عقب مانده‌ها رسیدند. پس از ادای نماز ظهر بر منبری از پالانهای شتر برآمد و در خطبه خود فرمود:

«من دو گرانبایه میان شما می‌گذارم کتاب خدا و عترتم اهل بیتم را و خدای لطیف مرا خبر داد که این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. بر آن دو پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و از آن دو واپس نمانید که هلاک می‌شوید. چیزی به آنها نیاموزید که آنها از شما آگاه‌ترند.»

آنگاه فرمود: «آیا می‌دانید که من از همه مؤمنان بر نفس مؤمنان اولی و مقدم‌تر هستم؟»

مردم بانگ برآوردند: آری یا رسول الله!

در این گاه پیامبر(ص) دست علی(ع) را گرفت و او را بلند کرد به طوری که زیر بغل هر دو نمایان شد، آنگاه فرمود: «خداوند مولای من است و من مولای شما هستم، هر کس که من مولای او هستم این علی مولای اوست.» پس از آن دست به دعا برداشت و فرمود: **اللَّهُمَّ وَالِ مَنِ وَالَاةُ وَعَادِ مَنِ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.** خدایا دوستدارش را دوست بدار و دشمنش را دشمن شمار و یاورش را یاری کن و واگذارنده اش را خوار فرما.

پس از تعیین علی(ع) به مقام ولایت پس از پیامبر(ص)، این آیه نازل شد:

**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛**

امروز دین شما را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برایتان پسندیدم.

پس از آن پیامبر(ص) عمامه سیاه خود را که هفت دور سر بود و نامش را «سحاب» نامیده بود و در مراسم خاصی مانند روز فتح مکه بر سر می‌نهاد، بر سر علی(ع) بست.

آنگاه صحابی عمر بن الخطاب به آن حضرت چنین تبریک گفت:

**بِخَبْرٍ لَكَ يَا عَلِيُّ أَصْبَحْتُ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ؛**

به به توای علی که مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌ای گردیدی.

در داستانی دیگر پیامبر(ص) فرمود:

**عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ عَلِيٌّ؛**

علی از من است و من از علی هستم، کسی از سوی من تبلیغ نمی کند جز خودم یا علی.

و فرمود:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا؛

من شهر علم هستم و علی دروازه آن شهر است. هر کس شهر علم را بخواهد از در آن وارد شود.

و به حضرت علی(ع) فرمودند:

أَنْتَ تُبَيِّنُ لَأُمَّتِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ بَعْدِي؛

شما بعد از من برای امت من بیان می کنی آنچه را در آن اختلاف دارند.

و نیز پیامبر(ص) شماره جانشینان پس از خود را دوازده نفر به شماره نقبای بنی اسرائیل تعیین فرموده و فرمود: دنیا پس از ایشان سرنگون می شود.

شماره ای که پیامبر فرموده جز بر دوازده وصی پیامبر(ص): علی(ع) و یازده فرزندش صدق نمی کند و دوازدهمین ایشان حضرت مهدی(عج) می باشد که پیامبر(ص) درباره او فرموده است:

«مهدی از ما اهل بیت می باشد.»

«مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه می باشد.»

«اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می نماید تا آنکه مردی از فرزندان مرا که با من هم نام باشد برانگیزد.»

آنگاه پیامبر دست خود را بر پشت حسین گذاشت و فرمود: «از این پسر من»

در تاریخ ابن کثیر می گوید:

در توراتی که در دست یهودیان است آمده که از نسل اسماعیل فرزند ابراهیم(ع) دوازده عظیم بزرگوار به ظهور می رسند و اینکه ابن تیمیه گفته است این دوازده نفر همان دوازده نفر است که در روایت پیامبر آمده است.

و ابن تیمیه گفته است:

بیشتر یهودیانی که مسلمان شده اند، معتقدند که این دوازده نفر همان دوازده نفری هستند که رافضه می گویند و شیعه شده اند.

سرگردانی علمای مکتب خلفا در تشخیص دوازده جانشین پس از پیامبر(ص)

روایات دوازده جانشین پس از پیامبر و اینکه پس از ایشان دنیا به آخر می رسد در کتابهای صحیح بخاری و مسلم و مستدرک حاکم و فتح الباری در شرح بخاری و کتابهای سنن ابو داود و ترمذی و مسند طیالسی و احمد و دیگر کتابهای مکتب خلفا آمده است.

ابن العربی در شرح سنن ترمذی پس از آنکه خلفا را از ابوبکر می شمارد سپس می گوید اگر دوازده خلیفه که اسمشان خلیفه بوده است شماره کنم می شوند: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن، معاویه، یزید، معاویه بن یزید، یزید بن عبدالملک،... که می شوند هفتاد نفر و چنانچه معنی خلیفه را در نظر بگیریم، می شود: چهار خلیفه اول و عمر بن عبدالعزیز. بعد می گوید معنای حدیث را نفهمیدم.

و همچنین علمای دیگر مکتب خلفا در مقصود از دوازده جانشین پیامبر سرگردان شده اند.

و این بدان سبب است که دوازده جانشین پیامبر که در احادیث صحیح آمده بر خلفایی که پس از پیامبر تا زمان بنی العباس حکومت کردند صدق نمی کند و آنها نخواستند بپذیرند که مقصود پیامبر(ص) همان دوازده امام از اهل بیت یعنی: علی و یازده فرزندش می باشند که شیعیان از ایشان پیروی می کنند و بدین سبب دچار درماندگی و سردرگمی شدند. لیکن شیعیان مصداق

قول شاعر هستند که گفته:

فوال اناسا قولهم و حدیثهم روی جدنا عن جبرئیل عن الباری

«پیروی کن از آنان که قولشان و حدیثشان این است که: روایت کرد جد ما از جبرائیل از باری تعالی.»

آری، ما شیعیان پس از پیامبر(ص) از اهل بیت(ع) پیروی می‌کنیم.

و بدین سبب ما را شیعیان اهل بیت می‌نامند.

و بدین سبب ما از شیعیان اهل بیت هستیم.

و بدین سبب در دلهای ما حب پیامبر و اهل بیت است.

و بدین سبب امیدواریم در قیامت با پیامبر و اهل بیت پیامبر محشور شویم.

زیرا پیامبر فرموده است: «من أحبَّ حجراً حشره الله معه.» هر کس سنگی را [هم] دوست بدارد خداوند با آن محشورش می‌کند.

## پاورقی

[۱] این روایت در تفسیر آیه در تفاسیر طبری، ابن کثیر و سیوطی، و فضایل اهل البیت در صحیح مسلم و دهها سند دیگر آمده است. رجوع شود به رساله حدیث الکساء مؤلف.

[۲] تفسیر آیه در تفسیر طبری و ابن کثیر.

[۳] سوره نور، آیه ۱۱.

[۴] در این باره از یازده صحابی پیامبر در صحیح مسلم و سنن ترمذی و ابن ماجه و نسائی و مسند احمد و دیگر کتب معتبر مکتب خلفا روایت شده است. به بحث ضابطه شناخت مؤمن از منافق در جزء اول معالم المدرستین رجوع شود.

[۵] مستدرک حاکم بر صحیحین، ج ۳، ص ۵۷۶؛ سیره ابن هشام ج ۱، ص ۲۴۶، چاپ مصر، ۱۳۷۵.

[۶] رجوع شود به خطبه قاصعه در نهج البلاغه.

[۷] سنن نسائی، باب التناضح فی الصلاه؛ سنن ابن ماجه، باب استئذان کتاب الادب؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۵۸ و ۱۰۷.

[۸] امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۵۶.

[۹] کافی، ص ۱۴۲، ۱۴۹ و ۱۵۴.

[۱۰] کافی، ج ۱، ص ۵۸.

[۱۱] بصائر الدرجات، ص ۲۹۰.

[۱۲] سوره شعراء، آیه ۲۱۴.

[۱۳] این داستان در تاریخ طبری، ط اوربا، ج ۱، ص ۱۱۷۱-۱۱۷۲؛ ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۲۲؛ ترجمه حال حضرت علی در تاریخ ابن عساکر و دیگر مدارک معتبر مکتب خلفا آمده است. رجوع شود به بحث اهتمام الرسول به تعیین ولی الامر من بعده، معالم المدرستین، ج ۱.

[۱۴] معجم کبیر، طبرانی، ج ۶، ص ۲۲۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۳؛ و دیگر مدارک آن در بحث وصی الرسول... در جلد اول معالم رجوع فرمایید.

[۱۵] تاریخ ابن عساکر، ج ۲، ص ۴۸۶؛ حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۳.

[۱۶] صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۱؛ مستدرک صحیحین حاکم، ج ۳، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...







مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

